

تطور جمعیت و شکل طهران

از آغاز تا امروز

ریخت شناسی طهران در دوره ناصرالدین شاه تغییرهای اساسی کرد. سال ۱۲۸۴ هـ. ق آغاز این تغییرات بود. طهران در مقام شهری، اقتصاد روستائی (فرآورده‌های دامی و تولید کشاورزی) را پشت سر گذاشت و اقتصاد تجاری را جایگزین آن کرد. این امر پیش از همه مربوط به این بود که دستگاه حکومت خاننای ایران پس از تسخیر هرات در سال ۱۲۷۲ هـ. ق (۱۸۵۶ م.) و به دنبال آن جنگ انگلیسیان (۱۸۵۷ - ۱۸۵۶ م.) دیگر نتوانست با دو کشور روسیه تزاری در شمال و دولت انگلیس در جنوب رقابت کند، به ناچار دروازه‌های خود را به روی این دو کشور گشود، و اقتصاد خاننای ایران را با اقتصاد سرمایه‌داری خارجی روبرو ساخت.

پس از این حوادث، تجارت خارجی ایران روبه توسعه گذاشت: شرکت‌های تجاری و مؤسسات خارجی کم و بیش در همه شهرهای بزرگ ایران نمایندگی تأسیس کردند، تجارت داخلی رونق گرفت و جمعیت شهر نشین افزون گشت. بنا بر نوشته «مآثر الآثار»، در دوره ناصرالدین شاه در حدود ۱۰۰۰۰۰ دکان و کارخانه و ۵۰۰ کاروانسرا و مهمانخانه بزرگ و ۵۰۰ فرسنگ راه در ایران ساخته شد. طهران که مرکز سیاسی و اقتصادی کشور و مقر شاه بود، و توجه دو سیاست شمالی و جنوبی را به شدت به خود جلب کرده بود، سریع تر از دیگر شهرهای ایران رو به توسعه گذاشت. این توسعه، در وهله نخست، از نظر اقتصادی صورت تجاری توأم با صنعتی یافت، ولی به عللی که خواهیم گفت جنبه صنعتی آن از میان رفت، و تنها تجارت رونق و رواج یافت.

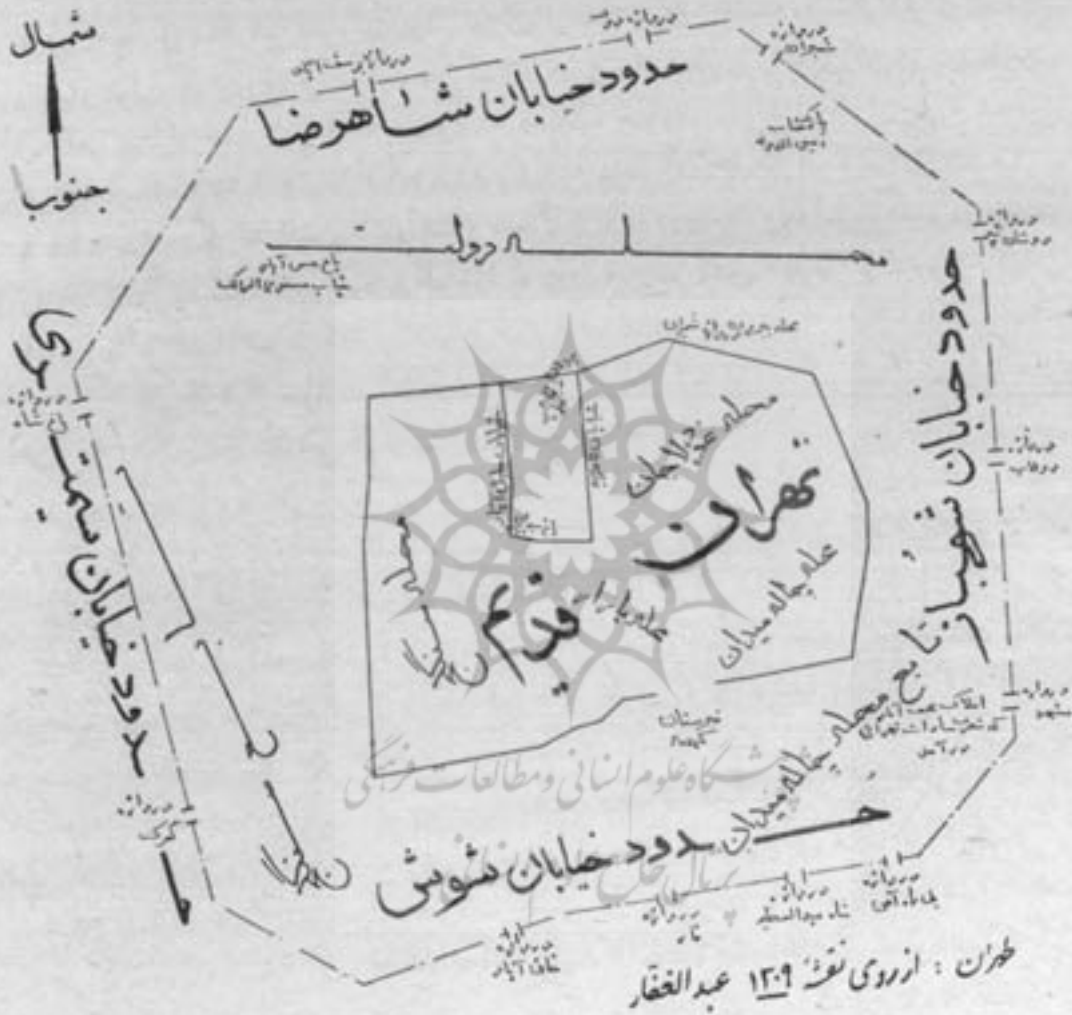
رونق و رشد جمعیت شهر نشین طهران و پیدایش گروه‌های تازه اجتماعی در میان جمعیت شهر نشین سبب تحولات خاصی در ساختمان اجتماعی قاجاریه و جامعه طهران شد که نتیجه آن «انقلاب مشروطیت» بود. این انقلاب به نوبه خود انگیزه بزرگی در توسعه و ترقی شهر نشینی ایران، خاصه طهران گشت که تا کنون نیز ادامه دارد.

ناصرالدین شاه در دوره سلطنت خود ناگزیر به اصلاحاتی تن در داد، وی چندین بار به فرنگ رفت و با تمدن غرب آشنا شد و با بعضی از اصلاحات مخالفتی نوزید. شهر طهران در بیست و یکمین سال سلطنت وی که زمینه آن از جهت مورفولوژی مهیا بود تغییرات شگرفی کرد.

تهران در حدود سال ۱۲۸۶ هـ. ق. ۵ محله در داخل شهر و محله‌هایی در خارج شهر داشت، که به ترتیب عبارت بودند از: عودلاجان، چالمیدان، سنکلیج، بازار،

ارک سلطانی، و محله‌های خارج شهر. بنا بر سرشماری عبدالغفار در ۱۲۸۶ ق. جمعیت هر محله به قرار زیر بوده است :

جمعیت محله ارک سلطانی	۳۰۱۴ نفر	جمعیت محله عودلاجان	۳۶۴۹۵ نفر
چالمیدان	۳۴۵۴۷	سنکلیج	۲۹۶۷۳
بازار	۲۶۶۷۴	خارج شهر	۱۶۸۵۳



مساحت شهر در حدود ۸ کرور و ۶۰ هزار ذرع مربع (در حدود ۵ میلیون متر مربع) بود ، و تعداد خانه ها به ۹ هزار می رسید .

تهران درین زمان ۴۷ مسجد، ۳۵ مدرسه، ۳۴ تکیه ، ۱۷۵ دکان نانوائی، ۱۹۰ حمام عمومی ، ۱۳۰ کاروانسرا ، ۲۰ یخچال ، ۷۰ کوره پزخانه ، ۱۲۷۷ صطبل خاص که مردم ساخته بودند ، و ۱۶۰ خانه برای یهودیها داشت .

اگر این آمار را با آمار دوره مظفرالدین شاه مقایسه کنیم روشن می شود

که جمعیت محله اعیان نشین سنگلج کم کم به سوی شمال شهر کشیده شده و محله جدید و معتبر دولت، در شمال شهر پدید آمده است. این تحرك مکانی تنها ریشه اقلیمی دارد، و به آب و هوای خوب شمال طهران مربوط است.

وسعت شهر تهران

در سال ۱۸۸۴ به دستور ناصرالدین شاه دیوار و خندق شهر قدیم خراب شد، و ساختن قلعه‌ها (باستیان) و خندق و خاکریز و دروازه‌های شهر جدید آغاز گشت، و تهران به شکل ۸ ضلعی درآمد که دارای ۵۸ باستیان^۱ و دوازده دروازه بود. مساحت آن به $۳۶/۵$ کرور ذرع مربع (حدود ۲۰ میلیون مترمربع) می‌رسید. تعداد خانه‌های آن (در سال ۱۳۰۹) به ۱۸ هزار بالغ شد، محله‌های تازه‌ای احداث شد، و باغ‌های لاله‌زار و نکارستان و بهارستان و سپهسالار و مستوفی‌الممالک در داخل شهر قرار گرفتند. قلعه‌ها و استحکامات شهر که بیشتر از باستیان‌های پاریس اقتباس شده بود ارزش نظامی نداشت و تنها در برابر تفنگ‌های آن‌روزی می‌توانست پایداری کند. رفت و آمد به شهر از راه دروازه‌ها بود که هر کدام ۴ تا ۶ کلدسته کاشی‌کاری داشت. در داخل هر یک از دروازه‌ها به وسعت یک جریب قطعه زمین با آب انبار و چند اطاق قرار داشت که در مواقع فرود آمدن کاروانها مورد استفاده قرار می‌گرفت. این وضع دروازه‌ها با خصوصیت تجاری آن‌روز مطابقت داشت. میان شهر و دروازه‌ها و خندق، محوطه‌ای قرار داشت که در آن نه خانه بود و نه آبادی. در شهر علاوه بر باغ‌ها و محله‌های مختلف، چندین مزرعه و بیخچال نیز وجود داشت. دروازه‌های شهر عبارت بود از دروازه‌های دولت، شمیران، دوشان تپه، دولاب، خراسان، عبدالعظیم، غار، خانی‌آباد، گمرک، قزوین، باغشاه و یوسف‌آباد. از سال ۱۲۸۴ تا ۱۳۰۹ هـ. ق شهر به سرعت ترقی کرد، و در سال ۱۳۰۹ تعداد مساجد آن به ۲۰۰ باب و کلیساهای کاتولیک و پروتستان و آرامنه ۴ باب و حمام‌های عمومی به چهارصد باب رسید.^۲

بنابر آماري که «ژاک موریه» در حدود سال ۱۲۲۳ هـ. ق. داده است تعداد حمام و کاروانسرا هر یک در تهران به ۱۵۰ باب می‌رسد. در حدود سال ۱۲۸۵ هـ. ق. تعداد مساجد تهران ۴۷ باب حمام ۱۹۰ و کاروانسرا ۱۳۰ باب بوده است.

وضع محله‌های جدید

محله‌های جدید طهران همان نام محلات قدیم را گرفتند و در حقیقت همان محله‌های قدیم بودند که گسترش یافتند، به استثنای محله اعیان نشین شمال شهر به نام

۱ - مجله کوره سال دوم شماره ۲.

۲ - نقشه طهران ۱۳۰۹ هـ. ق. عبدالنفار

دولت که در گذشته نامی از آن نبود. محله بازار نیز به سبب موقع اقتصادی خود در همان مکان بد اقلیم یعنی در جنوب شهر بسط یافت، جالب است که قدری هم عقب تر رفت، یعنی به سوی جنوب شهر گسترش یافت.

در زمان فتحعلیشاه مسجدشاه در ناحیه بازار ساخته شد. بازار تهران با مذهب پیوند همیشگی خود را حفظ کرد و چون بازاریان همیشه در مکان سفیدار خود در حالت اجتماعی کار می کردند، در اواخر دوره ناصرالدین شاه، اغلب در دکاهای بزازی و کفافی و حجره ها بحث های سیاسی روز درمی گرفت، و این امر موجب شد که در دوره های بعد بازاریان نقش خاصی در اجتماع تهران داشته باشند.

ضعف مالی بازاریان هنوز امکان حرکت مکانی و تحرك اجتماعی را به آنان نمی داد. این امر احتیاج به زمان داشت که به صورت امروزی درآید. در زمان ما بازاریان نروتمند تحرك مکانی و اجتماعی یافته اند و چهارچوب بازار را شکسته و توانسته اند مکان مناسبی برای کار در شهر پیدا کنند و از جهت زندگی نیز شمال شهر را انتخاب کرده اند و جانشین اعیان و امرای دوران گذشته شده اند.

وضع عمومی شهر در دوره ناصرالدین شاه

در دوره ناصرالدین شاه در طهران چند مدرسه دائر بود که مهمترین آنها دارالفنون بود که در سال ۱۲۶۸ ه. ق. ساختمان آن به پایان رسید. در همان سال بیمارستانی نیز در طهران احداث شد. در سال ۱۲۷۶ ه. ق. (۱۸۵۹ م) نخستین خطوط تلگراف از طهران به سلطانیه و سپس تا تبریز کشیده شد، و در سالهای بعد تا جلفا (مرز) این خط امتداد یافت، و بعدها جلفا از طریق طهران به بوشهر وصل شد. در سال ۱۲۹۷ ه. ق. - ۱۸۷۵ م. ارتباط پستی میان طهران و تبریز و سپس طهران و رشت برقرار گردید، قبل از این تاریخ پست ایران توسط جایزاداره می شد. در سال ۱۳۰۶ ه. ق. (۱۸۸۸ م.) نخستین شعبه بانک اروپائی در طهران تأسیس شد. در اواخر سال ۱۳۰۶ ه. ق. (۱۸۸۹ م.) خط واکون (تراموای) اسبی در طهران افتتاح گردید که علاوه بر اسب و کالسکه رفت و آمد در قسمتی از شهر با آن انجام می گرفت.

در دوره ناصرالدین شاه بالای در یکی از دروازه های ارك تقاره خانه ای بود که هنگام طلوع و غروب آفتاب و در ماه رمضان سحرها و نیز روزهای سلام هنگام به تخت نشستن شاه در آنجا تقاره می زدند و یکی از تفریح های مردم شهر بود - در میدان ارك نیز توپ مروراید مشهور قرار داشت و در روز ۲۷ ماه رمضان زنان و دختران اطراف آن جمع می شدند و دخیل می بستند - روشنائی شهر توسط چراغ نفتی بود. بعضی از قسمتهای شهر با چراغ گاز و چراغ برق روشن می شد. آب تهران را نیز از قنات تأمین می کردند. در دوره مظفرالدین شاه در شهر تغییرات اساسی روی نداد، مساحت شهر مانند

گذشته در حدود ۳۶/۵ کرور ذرع مربع بود ، محیط باستیون دارالخلافة نیز به ۱۸۴۸۰ ذرع (حدود ۱۹ کیلومتر مربع) بالغ می شد . در این دوره شهر از ۵ محله و هر محله از چند یاتوق و هر یاتوق نیز از چند گذر تشکیل می شد و هر گذر هم از چند کوچه به وجود می آمد . هر محله کدخدائی داشت ، و هر یاتوق توسط نایبی با چند پلیس اداره می شد .

بزرگترین محله شهر محله دولت بود که ده یاتوق داشت :

یاتوق های سید جعفر - حاجی عباس - نایب محمد - نایب محمد علی - نایب آقا بابا - نایب عزیز ، نایب حسین - نایب محمد بروجرودی - نایب غلامرضا - نایب محمد کاشی .

یاتوق های محله های دیگر تهران به شرح زیر بوده است :

سنکلیج نه یاتوق - محله بازار پنج یاتوق - محله چاله میدان شش یاتوق و

محله عودلاجان چهار یاتوق .

انقلاب اجتماعی و تأثیر آن در ریخت شناسی شهر طهران

در دوره ناصرالدین شاه تحولات اجتماعی بزرگی در ایران خاصه در طهران رخ داد ؛ این تحولات در ریخت و ساختمان اجتماعی طهران تأثیر بسیار کرد . ورود مختصات نظام اجتماعی سرمایه داری به ایران و برخورد آن با خصوصیات نظام خانجانی ایران و به دنبال آن رواج تجارت با دو همسایه شمالی و جنوبی و رشد جمعیت شهر نشین ، در پی آن و مسافرت های ناصرالدین شاه به فرانک و آشنا شدن با تمدن غربی همه و همه موجب شد که طهران وسیع و آباد شود ، عمارت ها و کاروانسراها در آن پدید آید ، و خیابانها و راهها مرمت گردد . ولی شاه با بعضی اصلاحات که با ارزش های کهنه مورد اعتقاد او جور در نمی آمد مخالفت می ورزید . گروههای جدید اجتماعی بازاریان که بیش از همه در طهران رشد می کرد و احتیاج به اصلاح را احساس می کرد ، به ناچار وارد مبارزات سیاسی شدند . بازان توسط روشنفکران مذهبی که امکان استفاده از مساجد را هم در اختیار آنان می گذاشتند رهبری می شدند . این مبارزات سبب شد که همه اصلاحات شاه ، حتی توسعه و ترقی دادن شهر طهران - که شاه با آن موافقت کرده بود - به ضرر وی تمام شود . این حوادث که منجر به انقلاب اجتماعی « مشروطیت » شد از جهت شهر نشینی در طهران تأثیر عمیقی به جا گذاشت و پس از آن طهران مسیری را که از دوره ناصرالدین شاه پیش گرفته بود با سرعت پیمود و تغییر ساختمان اجتماعی و شکل شهر که سنگ بنای آن گذاشته شده بود با آمدن وسایل نقلیه موتوری و صنعت به اوج خود رسید و گروه های اجتماعی مختلف در آن شکل گرفته به صورت طبقات جدا از هم در آمدند .

پس از قیام مشروطه طلبان و تشکیل مجلس با دقت در شصت نماینده نخستین دوره مجلس می‌توان دریافت که بازاریان چه نقش عمده‌ای در مجلس داشته‌اند. از ۶۰ نماینده تهران ۴ نفر از شاهزادگان ۴ نفر از علما ۱۰ نفر از تجار و ۳۲ نفر از اصناف و ۱۰ نفر از مالکان و اعیان بودند.

گروهها و طبقات اجتماعی

به دنبال رونق تجارت، سرمایه‌داری در ایران شروع به رشد و تکامل کرد، پس از چندی سرمایه‌داران به صنعت گرویدند. مثلاً صنایع الدوله، حاجی محمدحسن اصفهانی و معتمدالسلطان به ترتیب کارخانه‌های نخ رسی، بلورسازی و چینی‌سازی در ایران دائر کردند. ولی این کارخانه‌ها بر اثر رقابت خارجی‌ان بسته شد و کسانی که در ایران به صنعت گرویده بودند ناگزیر وضع تجاری به خود گرفتند و حتی تا حدودی به ملک‌داری گرویدند. نبودن امنیت اجتماعی نیز در تسریع این امر کمک کرد. بدین ترتیب سرمایه‌داری در ایران چهره و مختصات خاص خود را که عبارت از تجارت و نزول‌خواری و ملک‌داری بود یافت.

طبقات و گروههای اجتماعی موجود در تهران را از دوره ناصرالدین‌شاه به بعد می‌توانیم به صورت زیر خلاصه کنیم:

الف: اعیان و امرا و شاهزادگان که «آقایان» نامیده می‌شدند و هر کدام دارای زمین‌های وسیع در اطراف کشور بودند و این املاک را از شاه به عنوان تیول دریافت کرده بودند یا در مالکیت خصوصی آنان بود. در خود شهر نیز دارای قصور با باغهای کوچک و بزرگ بودند. اینان اغلب دارای شغل معینی نبودند و فقط از عایدی املاک خود روزگار می‌گذراندند. اغلب حکام ولایات از میان این گروه انتخاب می‌شدند.

ب: بازاریان - که بازرگانان بزرگ و طبقات متوسط بازاری بودند. اینان نه مالیات می‌دادند و نه عوارض دیگر، تنها کرایه دکان یا حجره (اگر مال خودشان بود) می‌پرداختند. به علاوه چون به همه انواع تجارت دست می‌زدند و جمعیت شهر نیز رو به‌زیادی داشت ثروت سرشاری به هم زده بودند و در مواقع لزوم به دولت نیز قرض می‌دادند.

ج - طبقات متوسط که مشتمل بودند بر اصناف (کسبه و پیشه‌وران - صاحبان صنایع و حرف) کارمندان دیوانی (مستوفیان و میرزا و فرانش‌ها) و نزول‌خوران. نخست کسبه: که به اصناف مختلف منقسم می‌شدند و هر صنفی دارای مجمع و رئیسی بود. انتخاب شغل عموماً در میان اصناف موروثی بود و پسر پس از مرگ پدر جانشین او می‌شد و چون سرمایه‌ای هم به میراث به‌وی می‌رسید و قفهای درکارش حاصل

نمی شد و به کار پدری ادامه می داد. اینان نیز مانند بازرگانان از پرداخت مالیات معاف بودند و تنها عوارض مختصری می دادند. این گروه بازاری تحت نفوذ بازرگانان و تجار بزرگ بودند و آنان را ارباب خود و خود را روزی خوار آنان می دانستند.

دوم: پیشه‌وران و صاحبان صنایع و حرفه، این مردم که گروه اصلی طبقات متوسط در کشورهای غربی بوده است در ایران بسیار ضعیف بودند.

سوم: کارمندان دیوانی: در ایران سازمان دیوانی (اداری) خاصی وجود داشت، کسانی که به امور کشوری می پرداختند گروه معینی بودند و قشر بالائی ایشان عبارت بود از مستوفیان که تنها به نگهداری حساب مالیات مشغول بودند و وظیفه مشاوران راهم انجام می دادند و دارای تیول و زمینهای بزرگ بودند و از گروه مالکان محسوب می شدند. تنها گروهی که کارمند دولت بودند ولی وضع مالی خوبی نداشتند میرزاها و فراشها بودند. میرزاها مختصر سواد داشتند، اینان حقوق نمی گرفتند و از راههای دیگر «درآمد»، زندگی خود را تأمین می کردند.

چهارم: نزول خوران. که از طبقات متوسط محسوب می شدند و از وابستگان به طبقه اعیان بودند و به بازاریان (بازرگانان بزرگ) پول به نزول می دادند.

د - روحانیان: که به گروههای مختلف اجتماعی از جهت وضع اقتصادی مربوط بودند و از جهت وظیفه خاصی که در اجتماع تهران داشتند نقطه اتکائی برای بازاریان (تجار - کسبه و پیشه‌وران) محسوب می شدند.

ه - نظامیان: گروههای مختلف نظامیان که در سرشماری عبدالغفار در دوره ناصرالدین شاه تعداد آنان به ۸۴۸ نفر می رسید، غیر از قشر بالائی آنان که جزو اعیان و امرا بودند و زمینهای بزرگ را در اختیار داشتند و «عمده مالک» بودند، قشر پائین غیر از نظامیگری شغل دیگری نیز داشتند، بنا به گفته کنت دو کوینبو: «در تهران دکانهای قصابی و بقالی و عطاری زیاد است که صاحبان آنها سر باز هستند و دیده می شود که سربازان نوکری و باربری هم می کنند».

و - کارگران کارخانهها و کارگاهها و چاپخانههای مختلف در تهران و عملها و غیره که با رشد سرمایه‌داری صنعتی و آمدن صنایع جنگی و چاپخانه به تهران بر شماره آنان اضافه می شد و اغلب از روستاها به شهر می آمدند.

خسرو خسروی